

## **Excavation of the Temurtash (Timurtash) family, the origin of Abdul Hossein Timurtash (1312-1260)**

Seyed Hamid Fakhrajafari\*, Omid Sepehri rad\*\*

Abolhasan Mobayen\*\*\*

### **Abstract**

**Objective:** To investigate the historical background of Tamartash (Timurtash) clan as the origin and ducational environment of Abdul Hossein Khan Timurtash, one of the influential figures of the first Pahlavi era. **Research method/approach:** This research was done with historical method and with descriptive-analytical method and using archival documents and library resources. Historical data has been extracted from various documentary sources, such as reconciliation letters, local manuscripts, and court documents. These data are used in terms of structure, function and content in order to describe and explain the background of the tribe "Timurtash, Demerdash, Tamertash" and the educational environment of "Abdul Hossein Timurtash".

**Findings and Conclusion:** The results of this research show that the original origin of the Tamratash clan was Shamat, which moved to the northern areas of Khorasan. Before Fath Ali Shah Qajar, there is very little information about this clan, and Abdul Hossein Khan's ancestors were rulers in Nardin village, on behalf of Bojnoord broker. Due to Abdul Hossein Khan's early departure from his clan to study; the effects of Ili's education did not last in him, the European education became stable in him.

**Keywords:** Northern Khorasan, Tamertash tribe, Abdul Hossein Khan Timurtash, Reza Shah, Nardin.

\* Ph.D. Candidate of History, Department of History, Faculty of Humanities, Azad University, Bojnourd Branch, Iran, hamidfakhr1354@gmail.com

\*\* Assistant Professor of History, Department of History, Faculty of Humanities, Azad University, Bojnourd Branch, Iran (Corresponding Author), omid\_sepehri@yahoo.com.

\*\*\* Assistant Professor of History, Department of History, Faculty of Humanities, Azad University, Bojnourd Branch, Iran, Mobayen2005@yahoo.com

Date received: 16/04/2023, Date of acceptance: 12/09/2023





## کنکاشی پیرامون طایفه تمر تاش (تیمورتاش) خاستگاه عبدالحسین تیمورتاش (۱۲۶۰-۱۳۱۲ش)

سید حمید فخر جعفری\*

امید سپهری راد\*\*، ابوالحسن مبین\*\*\*

### چکیده

هدف: بررسی پیشینه تاریخی طایفه تمر تاش (تیمورتاش) به عنوان خاستگاه و محیط تربیتی، عبدالحسین خان تیمورتاش، یکی از شخصیت‌های متنفذ عصر پهلوی اول است.

روش / رویکرد پژوهش: این پژوهش با روش تاریخی و با شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد و مدارک آرشیوی و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌های تاریخی از لابه لای منابع اسنادی از قبیل مصالحه نامه، کتب خطی محلی و اسناد دیوانی استخراج شده است. این داده‌ها به لحاظ ساختار و کارکرد و محتوا در جهت توصیف و تبیین پیشینه طایفه «تیمورتاش، دمر تاش، تمر تاش» و محیط تربیتی «عبدالحسین تیمورتاش» مورد استفاده قرار می‌گیرند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که خاستگاه اولیه طایفه تمر تاش شامات بوده است، که به نواحی شمال خراسان کوچ داده شده‌اند. تا قبل از فتحعلی شاه قاجار اطلاعاتی، از این طایفه بسیار اندک است و اجداد عبدالحسین خان در قریه نردین، از طرف کارگزار بجنورد، حاکم بوده‌اند. به علت خارج شدن زود هنگام عبدالحسین خان به جهت تحصیل، از میان طایفه اش؛ اثرات تربیتی ایلی در او ماندگار نشد، تربیت اروپایی در او به ثبات رسید.

\* دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران، hamidfakhr1354@gmail.com

\*\* استادیار، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول)،

omid\_sepohri@yahoo.com

\*\*\* استادیار، گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران، Mobayen2005@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱



**کلیدواژه‌ها:** شمال خراسان، طایفه تمرتاش، عبدالحسین خان تیمورتاش، رضاشاه، نردین.

## ۱. مقدمه

طایفه تمرتاش از طوایف مهم و معتبر ترک زبان در شمال خراسان هستند. عبدالحسین خان تیمورتاش فرزند ارشد کریم دادخان تمرتاش، رئیس طایفه تمرتاش؛ یکی از مالکان و خوانین مشهور شمال خراسان و مباشر یارمحمدخان سهام‌الدوله دوم (سردارمفخم بجنوردی) حاکم بجنورد بود. زادگاه عبدالحسین خان (معززالملک/ سردارمعظم خراسانی) منطقه زیست بوم نردین (درمنطقه جاجرم از توابع بجنورد) است. این منطقه از دیرباز محل استقرار طوایف دیگر ایلات کوچ نشین از قبیل شادلو، قراچورلو، زعفرانلو، کیوانلو، عمارلو و ... بوده است. این طایفه (تمرتاش) دارای هشت تیره به نام های خانان، اُروجی، مُلاها، شهریاری، نردینی، عَوم، صنعتگران و یلان‌قاج می باشند. این طایفه امیران و خوانین مشهوری داشته است، همچنین از رجال و مشاهیر معروف این طایفه عبدالحسین خان تیمورتاش (وزیردربار) رضاشاه و دیگرانی چون محمدحسین تیمورتاش (کاتب)، محمدنبی تیمورتاشی (خوشنویس)، میرزاعلی تیمورتاشی (شایق) از شاعران قرن سیزدهم، ملاحجی تیمورتاشی (واثق) از مکتب‌داران معروف شمال خراسان در قرن سیزدهم و هیبت الله ناطق تیمورتاشی (ناطق) از شاعران و نویسندگان آزادی خواه دوره قاجار و اوایل حکومت پهلوی و غلامحسین دبیر (دبیر زاده) و ... را می توان یاد کرد. قلمرو و محل استقرار طایفه تیمورتاش علاوه بر نردین در شهرهای بجنورد، اسفراین، زیارت، میامی، شاهرود، مشهد، سبزوار و مینودشت و روستاهایش را می توان نام برد. نژادشان ترک و زبان گفتارشان تُرکی و اندکی کُردی است، اطلاعات ما در خصوص این طایفه تا اوایل حکومت فتحعلی شاه قاجار مبهم و اندک است. اسناد موجود مربوط به قبل از عصر قاجار همگی از حضور طایفه تمرتاش در دامنه های شمالی رشته کوه آداغ از جمله در روستاهای زیارت، ارکان و روئین دلالت دارند. در عهد حکومت فتحعلی شاه قاجار، نجفقلی خان شادلو معروف به (نجفعلی خان) حاکم وقت بجنورد، گروهی از طایفه تمرتاش را به بلوک نردین در شمال شاهرود کوچانید، تا محافظ مرزهای شمالی شاهرود و سمنان از حملات مداوم ترکمانان (گُوگلان، یَموت) باشند. آنها در نقش تاریخی خود یعنی پاسداری از مرزهای شمال شرقی ایران، اقدام کردند و در فقدان ارتش منظم و کلاسیک ایران تا قبل از دوران رضاشاه، نقش آفرین بودند. اگرچه طایفه تمرتاش یکی از طوایف ترک زبان، ساکن منطقه شمال خراسان بودند؛ اما با ایلات و طوایف کُرد، همچون شادلوها، قراچورلوها، زعفرانلوها، کیوانلوها،

کنکاشی پیرامون طایفهٔ تمرتاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۳۳۵

عمارلوها ... پیوند دارند. در این پژوهش تلاش شده با بهره‌گیری از منابع و اسناد معاصر به معرفی این طایفه که در گستره جغرافیایی شمال خراسان پراکنده اند، پرداخته شود.

## ۲. سیر تاریخی طایفهٔ تمرتاش (تیمورتاش) در منطقهٔ شمال خراسان

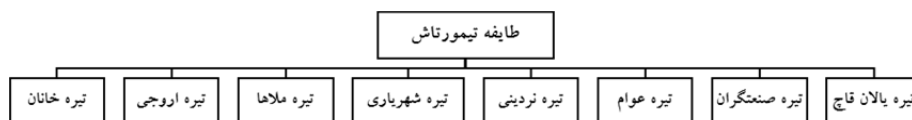
در خصوص پیشینه تاریخی طایفه (تیمورتاش‌ها) در شمال خراسان معروف است که طایفه تمرتاش توسط تیمورلنگ از شامات (سوریه) به دامنه‌های رشته کوه الاداغ در خراسان کوچانده شدند. قبل از این زمان، ترکان صحرائشین که باقی مانده سپاه مغولی که به گرایلی (قرا ایلی/گرائیت ایلی) مشهورند، در دشت بجنورد مستقر بودند (میرنیا، ۱۳۶۹: ۹۷)، اما عبدالحسین خان تیمورتاش نسل خود را از بازماندگان تیمورتاش پسر امیرچوپان می‌داند. (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۹: ۳۶). تیمورتاش (دمیرطاش) دومین پسر امیرچوپان بود، که از طرف ابوسعید آخرین ایلیخان مغولی حکومت آسیای صغیر را به عهده داشت و به فتوحاتی در آن سرزمین نایل آمده بود. او با برقراری نظم و انضباط و رعایت عدالت و انصاف و تامین رفاه؛ در تاریخ آن خطه شهرت داشت (نبئی، ۱۳۷۵: ۱۰). طایفه تمرتاش با دیگر قبایل گُرد ساکن منطقه که از اوایل قرن (۱۷م) وارد خراسان شده بودند، با قبایلی نظیر کیوانلو، شادلو، عمارلو... که بوسیله نادرشاه به خراسان کوچ کردند، زندگی مسالمت آمیزی داشتند. (ایوانف، ۱۳۷۷: ۲)

ترک‌های اُغوز یا عُز، که خود را ترکمن، یعنی تُرک خالص و اصیل می‌خواندند؛ در زیر فشار ترکان قبیچاق به حرکت درآمدند. شاخه‌ای از آنها به بالکان رفته و شاخه‌ای دیگر در سال (۴۱۷ق) به خاک ایران وارد شدند. بخشی از آنها با گذر از خاک ایران به آسیای صغیر (ترکیه) و شام (سوریه) رفتند و با عناصر نژادی دیگر آمیختند. در زمان تیمور لنگ و سپس به هنگام اقتدار سلسله‌های قره قویونلو، آق قویونلو، صفویه به ایران بازگشتند (شهبازی، ۱۳۶۹: ۱۱۸).

یارمحمدخان شادلو سهام الدوله دوم) رییس طایفه و ایل گُرد شادلو که دخترعمویش (جوهرخانم دختر فرج الله خان) به عقد ازدواج کریم دادخان تمرتاشی در آمده بود، که از این وصلت دو دختر و یک پسر (عبدالحسین خان) به دنیا آمدند. (مُتتخب المُلک، ۵۰-۵۱/۱۰۰-۱۰۱) لذا عبدالحسین خان تیمورتاش نیش گُرد از طرف مادری و نیم دیگرش تُرک منتسب به آل چوپانیان از طرف پدری می‌باشد. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: ۲۲۳)

## ۱.۲ وجه تسمیه و زیر شاخه‌های طایفه تمرتاش و قلمرو آنان

وجه تسمیه کلمه تمرتاش برگرفته از واژه تُرکی (دمرتاش) به معنای آهن و سنگ می باشد. مردمان این طایفه به دلیل سرسختی و مقاوم بودن به این نام شهرت یافته اند. مردمان ترک زبان کنونی ساکن در این خطه، اصل و نسب به سلسله های تُرک غزنوی، سلجوقی، ایلخانی و تیموری می رسانند. از اقوام و طایفه های ترک نژاد فعلی از قبیل تمرتاش (تیمورتاش) گرایلی، جانی قربان و ... نسب خود را با عصر ترکان و مغولان می شناسانند (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۳؛ ۱۰۳). به دیگر سخن، می توان بیان داشت که ترکهای شمال خراسان، پس از تات ها (فارسی زبانها) قدیمی ترین طوایف این خطه هستند. اصل و نسب برخی از آنان به دوران غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان می رسد. تُرکهای گرایلی و بغایری نسب خود را به مغولها در عصر هلاکو ایلخان مغول می رسانند. تُرکان تاتار و تمرتاش نیز نسب خود را به ترکان شامات که توسط تیمورلنگ به خراسان کوچانده شدند، می رسانند. افشارها و بیات ها و قاجارها اصل و نسب خود را به ترکان آذربایجان نسبت می دهند که برای دفاع از مرزها در برابر هجوم اُزبکها به خراسان کوچ داده شدند. (رحمتی، ۱۳۹۶: ۶۲).



قریه نردین از ۱۶۰ سال قبل، از سال (۱۱۴۰ق) قریه کوچکی بوده و از اعراب اسکندری در آنجا کوچ داده شدند و سُکنی گزیدند (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۸: ۱۰۰). وجه تسمیه نردین متناسب به چشمه ای از کوه جنوبی آن منطقه است که آب جاری آن را به نردین می رسیده و اکنون آن قنوات مسدود شده اند. (سی ام مک گرگر، ۱۳۶۸: ۵۷). در قسمت غرب قریه نردین، چمن کالپوش قرار دارد که بخاطر مناظر طبیعی دل انگیزش مورد توجه بزرگان مملکت بوده است. فتحعلی شاه در سال (۱۲۱۶ق) برای رسیدن به خراسان، از راه چمن کالپوش گذشت، به همین منظور در آنجا چند روزی را توقف کرد. عباس میرزا (نایب السلطنه قاجار) در سال (۱۲۴۹ق) از کالپوش گذشته وارد قوچان شد، او نیز چند روزی را در کالپوش توقف کرد. محمدشاه در سال (۱۲۵۲ق) وارد کالپوش شد و چند روزی را در آنجا سپری کرد. ناصرالدین شاه در سال (۱۲۸۳ق) وقتی که از مشهد راهی تهران بود، به نردین رسید. مخصوصاً روز جمعه (۱۵ ربیع الثانی) همان سال (۱۲۸۳ق) از نردین به تماشای کالپوش رفت، در آنجا به

کنکاشی پیرامون طایفهٔ تمرتاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۳۳۷

شکار پرداخت؛ فاصله نردین تا کالپوش دو فرسخ است. (تائیری، ۱۳۹۳: ۱۴۷) امروزه نردین از استان خراسان شمالی تفکیک و به استان سمنان واگذار شده است.

حاکمان نردین	زمان حکومت	اقدامات حاکمان
علی قلی خان تمرتاش	فتحعلی شاه قاجار	کوچ طایفه تمرتاش به نردین و عمران آن بلوک
محمدحسین تمرتاش	محمدشاه قاجار	شکست دادن ترکمانان
اسفندیارخان تمرتاش	ناصرالدین شاه	افزایش حوزه اقتدار ایل تمرتاش به نقاط اطراف
افراسیاب خان تمرتاش	ناصرالدین شاه	درگیری با ترکمانان (یموت و گوگلان)
کریم دادخان تمرتاش	دوره ناصری، مظفری	ارتباط با دربار، از طریق حاکم بجنورد، افزایش قلمرو
عبدالحسین تیمورتاش	احمدشاه و رضاشاه	وکیل مجلس شورای ملی، وزیر دربار رضاشاه

### ۳. معرفی حاکمان نردین از دورهٔ فتحعلی شاه تا پایان قاجاریه

#### ۱.۳ علیقلی خان تمرتاش

اولین مطالب تاریخ در خصوص طایفه تمرتاش همزمان با حکومت فتحعلی شاه قاجار است، که از شخصی بنام علیقلی خان تمرتاشی، بیگ و بزرگ طایفه تمرتاش و حاکم قلعه آرکان از توابع بجنورد ذکر شده است. در ماموریتی که از طرف نجفقلی خان شادلو (نجفعلی خان) به او سپرده شد، به اطراف شمال میامی (از توابع شاهرود) کوچید، تا از سرحدات شمال سمنان در برابر ترکمانان مهاجم (گوگلان و یموت) محافظت کند. او نردین را توسعه داد و هشت برج و قلعه به آن افزود (اعتماد السلطنه ۱۳۷۶-۹۴۵).

#### ۲.۳ محمدحسین تمرتاش

محمدحسین خان نردینی بعد از پدرش (علیقلی خان) رئیس طایفه تمرتاش شد. وی علاوه بر حکومت بر نردین و توابع در عهد محمدشاه قاجار، مدتی حکومت جاجرم را نیز در اختیار داشت. (اعتماد السلطنه، ج ۱، ۱۳۷۶: ۹۴۵) حاج میرزا آقاسی صدراعظم دوران (محمدشاه قاجار) محمدحسین خان نردینی را به حکمرانی جاجرم، بجنورد و اسفراین منصوب کرد. (متولی حقیقی، ۱۳۸۷: ۲۱۷) این انتخاب باعث تکدر خاطر جعفرقلی خان گردید. لذا ناخواسته با محمدحسین خان تمرتاشی (نردینی) اختلاف پیدا کرد و بین آنها کدورت به وجود آمد و این به خاطر انتصاب بیجایی بود که حاج میرزا آقاسی انجام داده بود. (تائیری، ۱۳۹۳: ۱۵۹) هرچند

شکست فتحعلی شاه قاجار از روسیه تزاری در سال (۱۲۴۳ق) او را بیش از پیش در نزد خوانین خراسان بی اعتبار کرد. در سال (۱۲۴۸ق) خوانین گُرد قوچان و بجنورد سر به شورش برداشتند، علت اصلی این شورشها را باید در هرج و مرج ناشی از عشرت طلبی ماموران حکومتی در خراسان جستجو کرد. فتحعلی شاه آخرین برگ برنده‌اش را که همان عباس میرزا (نایب السلطنه) بود نمایان کرد، تا بتواند نافرمانی خوانین گُرد را از بین ببرد. نجفقلی خان شادلو با وساطت قائم مقام در زمره خوانین موافق دولت درآمد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۱۲۴) محمدحسین تَمرتاشی در سال (۱۲۶۰ق) ترکمانان مهاجم را شکست داد، این پیروزی بدون هماهنگی با حکمرانان محلی به پایتخت گزارش شد که موجب خشم و غضب آصف الدوله (والی خراسان) گردید. در نهایت حاکم بجنورد (جعفرقلی خان شادلو) مامور تنبیه او گردید. جعفرقلی خان با اشاره آصف الدوله بر سر محمدحسین خان تَمرتاشی هجوم آورد، او را کشت و مالش را غارت و عیالش را اسیر کرد. دولت قاجار، امر به احضار او داد که با وقت کشی آصف الدوله و عذر اشتغال به معاملات جعفرقلی خان شادلو، زمان سپری شد. (اعتمادالسلطنه، ج ۱، ۱۳۷۶: ۹۴۵)

### ۳.۳ اسفندیار خان تَمرتاش

بعد از قتل محمدحسین خان تَمرتاش، فرزندش اسفندیار خان نردینی حاکم نردین در دوران ناصرالدین شاه گردید. او از طرف جنوب و مشرق بر قریه نردین افزود و باغ مهمی ساخت، بطوریکه در سال (۱۳۰۰ق) جمعیت آن بالغ بر سیصد خانوار بوده است. (اعتمادالسلطنه ۱۳۷۳-۹۷) البته؛ معلوم نیست تغییرات اسفندیار خان در قلعه نردین دقیقاً در چه زمانی ایجاد شده است، اما آنچه مشخص است اسفندیار خان باغ را در سالهای میانه دو سفر ناصرالدین شاه ساخته است. استناد مطلب، نوشته حکیم الممالک است که اشاره ای به این باغ نکرده است گرچه قریه نردین را محکم و طولانی توصیف کرده است. (حکیم الممالک، ۱۳۵۶: ۱۵۷).

### ۴.۳ افراسیاب خان تَمرتاش

بعد از مرگ اسفندیار خان، فرزندش افراسیاب خان به حکومت نردین و جاجرم گمارده شد. افراسیاب خان نردینی با سواره ترکمانان که به تاخت و تاز آن نواحی آمده بودند، جنگید بعضی را مقتول و برخی را زنده دستگیر و بقیه را منهزم کرد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۱۵۲) در زمان حکومت افراسیاب خان اوضاع اهالی قلعه نردین بر اثر زلزله شدیدی که روی داد، آشفته



کنکاشی پیرامون طایفه تمر تاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۳۳۹

گشت. سرانجام ناصرالدین شاه در واکنش به اعتراض ها افراسیاب خان را عزل و به جایش کریم دادخان برادر کوچکتر افراسیاب خان را به صورت موقت حاکم نردین کرد. (امین لشکر، ۱۳۷۴: ۲۵۴)

### ۵.۳ کریم دادخان تمر تاش

کریم دادخان ملقب به مُعززالملک بود. اودرجوانی وارد دستگاه یارمحمدخان شادلو(سهام الدوله دوم) حاکم بجنورد، استرآباد و مرزدار و زمیندار بزرگ شمال خراسان گردید. چون از خوانین نردین بود، مورد توجه او واقع و سرانجام پیشکار و مباشرش شد. (عاقلی، ۱۳۹۷: ۱۱) و بعد از مرگ برادرش افراسیاب خان، حاکم نردین و جاجرم در عصرناصری و مظفری گردید. به سبب لیاقت و کفایتش و انتساب سببی اش مورد توجه یارمحمدخان شادلو قرار گرفت و به مرتبه سرتیپی رسید. (روشنی زعفرانلو، ۱۳۷۴: ۱۴-۱۶) کریم دادخان حاکم بیهق(سبزوار) و ترشیز(کاشمر) شد. دردستگاه حکومت خراسان نام وشهرتی به دست آورد، بعدها کریم دادخان لقب امیرمنظم نیز گرفت و لقب معززالملک را به فرزندش عبدالحسین خان واگذار کرد. (شیخ الاسلامی ۱۳۷۹: ۲۱)

ناصرالدین شاه درباره سفر سال(۱۳۰۰ق) که از جاجرم دیدن نموده می نویسد: کریم دادخان و یکصد سوارش ماموریت دفاع از حوزه قلمرو جاجرم را به عهده داشتند. (ناصرالدین شاه، ۱۳۰۶: ۸۵) سهام الدوله دوم با کشته شدن ناصرالدین شاه و به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه مصلحت را در آن دید که روابط خود را با دربار قاجار به حداقل تقلیل دهد. پس اموری را که احتیاج به مراجعه به پایتخت داشت به وسیله دو نفر از سرتیپان زیردستش، سلطانقلی خان و به ویژه کریم دادخان انجام می داد. کریم دادخان پس از روی کارآمدن مظفرالدین شاه بیشتر اوقات از سوی یار محمد خان سهام الدوله دوم برای انجام کارهای حوزه حکومتی به تهران اعزام می شد. او به این ترتیب با مقامات حکومتی در تهران ارتباط و آشنایی پیدا کرد. (روشنی زعفرانلو، ۱۳۷۴: ۱۴-۱۶) یارمحمدخان به پیشکارش که از نظر ظاهر زیبا و دارای اخلاقی پسندیده بود، به جهت اینکه دارای وزنه و اعتباری باشد، حکومت جوین و بیهق (سبزوار) را به او سپرد. کریم دادخان از این ماموریت استقبال فراوان کرد و با فروتنی و مردمداری توانست در اولین ماموریتش دوستان خوبی برای خود تدارک ببیند. او علاوه بر هدایایی که از طرف سهام الدوله تقدیم دربارشاه قاجار نمود، برای صدراعظم و درباریان به فراخورحال هدایایی از سوی خود تقدیم می کرد. بدین ترتیب کریم دادخان خیلی زود توانست در میان درباریان نفوذ کند و

دراولین قدم لقب معزالملک را برای خودش دریافت نماید. (عاقلی، ۱۳۹۷: ۱۲) در آن ایام چون موضوع فروش خالصجات دولتی برای تامین هزینه های دربار پیش آمده بود و در حوزه حکومتی سهام الدوله در قصبه جاجرم و آبادی های مجاور آن خالصجاتی به نامهای ایور و دَرَق و گزی وجود داشت، یارمحمد خان حاکم بجنورد، کریم دادخان را برای خرید املاک مذکور به تهران فرستاد تا خالصجات مذکور را به نام عزیزالله خان حاکم خریداری کند. کریم دادخان با پولی که یارمحمدخان در اختیارش گذاشته بود، نصف خالصجات را به نام عزیزالله خان و نصف دیگر را به نام فرزندش عبدالحسین (که بعدها وزیردربار رضاشاه شد) قباله کرد. عمل ناروای کریم دادخان نسبت به یارمحمدخان در زمینه ثبت سند زمینها به نام فرزندش ضربه ای ناگوار برای حاکم بود. پس از مراجعت کریم دادخان به بجنورد چون موضوع آشکار شد، مورد بازخواست یارمحمدخان قرار گرفت و از دستگاه حکومتی محلی طرد شد. چون موضوع به صدراعظم وقت گزارش شده بود، ماموری از تهران اعزام شد. در نتیجه کریم دادخان که در این زمان به قوچان پناه برده بود، مجبور به انتقال املاک مورد بحث شد. به طور طبیعی این قضیه سبب کینه شدید عبدالحسین خان تیمورتاش شد که بعدها با به قدرت رسیدنش در زمان رضاشاه در از بین بردن عزیزالله خان (سردار مُعزز بجنوردی) فرزندحاکم پیشین این کینه قدیمی موثرافتاد. (روشنی زعفرانلو، ۱۳۷۴: ۱۷).

### ۶.۳ عبدالحسین خان تیمورتاش (تولد ۱۲۵۸/قتل ۱۳۱۲ش)

او از حاکمان بلوک نردین محسوب نمی شود و تنها از افراد معروف طایفه تمرتاش است. سردارمعظم خراسانی و معزالملک از القاب معروف اوست. وی در سال (۱۲۵۸ش) و به روایتی (۱۲۶۰ش) در نردین متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی و شرایط آن روز به سبب قدرت و نفوذ روسیه و حضور سپاهیان قزاق، روانه روسیه تزاری گردید. (آقاملایی، ۱۳۸۹: ۴۴۳).

پرنس ارفع در کتاب خاطراتش آورده است: در طی سفر به منطقه جاجرم روزی مهمان کریم دادخان بودم، پسر نوجوانی بنام عبدالحسین خان را به حضورم آورد و درخواست نمود که فرزندی و حمایت از او را در آینده قبول نمایم که پذیرفتم. تقریباً هشت سال بعد در کنسولگری سن پترزبورگ روزی پیشخدمت اطلاع داد، یک نفر ترکمن<sup>۱</sup> با فرزندش با من (ارفع) کار دارد، اجازه حضور دادم کریم دادخان و پسرش بود، سپس او را در مدرسه نیکلای

کنکاشی پیرامون طایفهٔ تمر تاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۳۴۱

روسیه تزاری که مخصوص اشراف روس بود ثبت نام کردم، که در نهایت به وزارت دربار رسید. (ارفع، ۱۳۷۸: ۱۴۰)

عبدالحسین خان در زمان تحصیل لقب خان نردینسکی<sup>۲</sup> همچون؛ القاب اشراف زادگان تزاری برای خود برگزید. عبدالحسین خان معززالملک پس از بازگشت به ایران در منطقه حکومتی پدرش و با حمایت او به منصب حکومتی جوین و اسفراین برگزیده شد، این اولین نتیجه تأثیر ایلی وی است. این نخستین تجربه‌ی سیاسی و اجرایی عبدالحسین خان نیز بود که با حمایت و پشتوانه ایلیاتی پدر و نقش قدرت ایلات؛ بر مناصب حکومتی و لشکری نایل شده بود، که خود تایید کننده این مطلب است. بازی سیاست عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی او را از اشتغال به دیگر حوزه های چون ادبیات و هنر باز نداشته تا آنجا که با محمدهاشم میرزا ملقب به (شیخ رئیس) آشنا شد. محمدهاشم میرزا از عالمان و شاعران خراسان بود، که چندین دوره نمایندگی مردم خراسان را در مجلس شورای ملی برعهده داشت. (عاقلی، ۱۳۹۷: ۴۴۴)

نمونه‌ای از اشعار سردار معظم خراسانی چنین است:

من که جزئی ز کل ایرانم	دشمن مردمان نادانم
دشمن مُستشار و مُمتازم	خصم جان فلان و بهمانم
با تو ای مستشار ممکن نیست	حلقه آشتی بجنبانم
چند پویی، به راه بیخردی	چند گویی که مرد میدانم
چند گویی که من سخن سنجم	چند گویی که من سخندانم
گاه گویی که ژرمن و فیلم	گاه گویی که عبد عمّانم
گاه با زهر اُنتریک کنی	گاه گویی که مسلمانم
همه حرفی، حرف مفت و گزاف	راست گفتمی که اُنتریکانم
با همه کوچکی و بیخردی	باز گویی که رئیس ایرانم
تو، نه مردی و نه مردی می دانی	راست گویی بیا به میدانم
نه چنین تنگ فکر و بُوالهوسم	نه چنین ابله و سیه جانم
که تو را من رئیس مُلک کنم	روح ایران ز خود برنجانم
گردانی بدان که دُر کُوب	صاحب گفته های حیرانم <sup>۳</sup>

گرچه من از وثوق، دلتنگم سگ او را از تو فزون دانم

(گلشن آزادی، ۱۳۷۳: ۱۸۷)

عبدالحسین خان در زمان تایید اعتبارنامه‌اش در مجلس شورای ملی، به دلیل نداشتن حد نصاب سن قانونی در معرض سوال نمایندگان دیگر گردید، که تدبیر کریم دادخان در تهیه استشهاده محلی، مبنی بر سن ۳۰ سال تمام عبدالحسین خان که به امضاء کلیه بزرگان و خوانین منطقه در طی ضیافتی شبانه رسیده بود، به مجلس شورای ملی ارسال و مساله ختم گردید. این مطلب؛ بار دیگر تایید بهره مندی سردار معظم خراسانی از مزایای پشتوانه ایلداری می باشد، که سرنوشت سیاسی وی در بازی قدرت به عنوان یک عنصر بانفوذ را متبلور می‌سازد. سردار معظم خراسانی که در کانون تحولات سیاسی ایران قرار گرفته بود، در رخدادهای مهمی چون عضویت در کمیسیون میکس<sup>۴</sup> همچنین؛ در جایگاه یک رجل سرشناس و مورد وثوق دیپلمات خارجی چون میسیونر آلمانی قرار گرفت. (کحال زاده، ۱۳۷۰: ۲۰۶) (عاقلی، ۱۳۹۷: ۳۱).

به استناد راپورت (گزارش) به سفارت فرانسه/مجلد نهم ص ۱۱۴/۱۱۶ (۲۱ ژوئیه ۱۹۲۱م) از آقای تیمورتاش (وزیر دربار ایران)، از وی به عنوان عمده‌ترین شخصیت سیاسی در ایران که فردی باهوش و مصمم، اما هوسباز و قمارباز... یاد شده است. (پورشالچی، ۱۳۸۴: ۳۸۴-۳۸۲) او که در کانون تحولات سیاسی قرار گرفته بود، در انتقال سلطنت قاجاریه به پهلوی نقش آفرینی کرد و او را به یکی از نزدیکان رضاشاه مبدل ساخت. سرانجام، پست وزارت دربار را در سال (۱۳۰۴ش) برایش به ارمغان آورد، تا سال (۱۳۱۱ش) به عنوان فرد دوم کشور، نقش کلیدی و تعیین کننده ای در سلطنت رضاشاه ایفاء نمود. (آقاملائی، ۱۳۸۵: ۴۴۱) از دیگر اقدامات وی تدارک جشن برگزاری تاجگذاری رضاشاه در دوره نخست وزیری ذکاءالملک فروغی و با نظارت و تسلط وزارت دربار بود. در جشن تاجگذاری (۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ش) که در کاخ گلستان برگزار شد، تیمورتاش مامور ترتیب دادن جزئیات مراسم تاجگذاری بود. تیمورتاش دربار بسیار محترمی برای رضا شاه به وجود آورد، او به خصوص در قید تشریفات بود و می‌خواست رضاشاه در احاطه جاه و جلال و وقار باشد. به همین سبب حسنعلی غفاری، دیپلمات و رییس تشریفات وزارت امور خارجه را رییس کل تشریفات وزارت دربار منتقل کرد. غفاری با امور تشریفات پایتخت‌های اروپایی آشنایی کامل داشت. (غنی، ۱۳۸۰: ۴۰۴) تیمورتاش، تنها کسی بود که می‌توانست دربار را منطبق بر الگوی دربار پادشاهان اروپایی سازمان دهد. او تحصیلکرده آکادمی نظامی، سحتگیر، منضبط، آشنا به چند زبان خارجی،

کنکاشی پیرامون طایفهٔ تمرتاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۳۴۳

سخنور و اهل فرهنگ بود (سینایی، ۱۳۹۶: ۱۷۳) فروغی چندی پس از آن در خرداد (۱۳۰۵ش) ظاهراً به خواست و اشاره وزیردربار تیمورتاش کنار رفت و منصبش را به مستوفی سپرد. روی کارآمدن تیمورتاش به عنوان وزیردربار رضاشاه از رویدادهایی بود، که در روند تغییر روابط و مناسبات نهاد سلطنت مشروطه با دیگر اجزای دولت، یعنی مجلس و کابینه‌ها، به درجات موثر افتاد. تیمورتاش وزارت دربار را به بازوی قدرتمندی برای نظارت و چیرگی بر قوای مجریه و مقننه تبدیل کرد. او از آذرماه (۱۳۰۴ش) که به وزارت دربار برگزیده شد و تا دی به او ختم می‌شد. (عبدی، ۱۳۸۳: ۱۶۰) تا آنجاییکه تنها میراث نهضت مشروطیت ایران - پارلمان - را به ماشین امضاء دولت مبدل ماه (۱۳۱۱ش) که به طور ناگهانی برکنار گردید. پس از رضاشاه نیرومندترین و مهمترین شخص مملکت به حساب می‌آمد و همه راهها ساخت. به رغم فضای سوءظن دوران رضاشاهی و بدبینی شاه نسبت به همه اعم از رجال وطنی و خارجیان و نیز تیمورتاش که از این قاعده یعنی (بدبینی) مستثنی نبود. (پیرا، ۱۳۸۳: ۱۶۰) مخبرالسلطنه هدایت دربارهٔ نفوذ و اقتدار تیمورتاش چنین نوشته است: "تیمورتاش وزیردربار ماست و رافع بین شاه و هیات دولت و نافذ درهرکار، طرف اعتماد شاه و از سیاست آگاه است." (هدایت ۱۳۴۴-۳۷۱). همچنین رضاه شاه روزی در هیات دولت بیان داشت: "قول تیمور (تیمورتاش) قول من است." (پورسیف فاطمی، ۱۳۷۸: ۷۴۰). اقتدار بی اندازه تیمورتاش و دخالت در کلیه امور داخلی و خارجی اعم از مساله نفت، جزایر سه گانه ایرانی خلیج فارس، بحرین، انتخابات مجلس، لغو قانون کاپیتولاسیون، اصلاح قوانین جزایی، قانون نظام وظیفه اجباری، کلاه پهلوی، الغای امتیاز نفت شمال و واگذاری به کمپانیهای امریکایی مثل سینکلر آشکار است. (بهار، ۱۳۸۶: ۲۲۰).

تیمورتاش با همراهی همفکرانی چون نصرت الدوله فیروز و علی اکبرداور... به مثلث قدرت مشهور بودند، با این حال سرنوشتشان کاملاً در دست رضاشاه بود. شخصیت و جایگاه تیمورتاش، حسادت دیگر رقبای داخلی و خارجی را برانگیخت، به ویژه پس از ناکامی تیمورتاش در طی مذاکرات نفت با شرکت نفت ایران وانگلیس و لغو امتیازنامه داریسی، افول وی قابل توجه است. (طلوعی، ۱۳۸۰: ۱۲۲). از آنجا که امتیازنامه داریسی در سال (۱۹۰۱م) منافع ایران را تامین نمی‌کرد، بنابراین از طرف دولت ایران لغو شد و از درجه اعتبار ساقط گردید. سه روز بعد در میان شادمانی عموم مردم ایران لایحه لغو امتیازنامه داریسی به اتفاق آرا تصویب شد. (فاتح، ۱۳۵۸: ۲۹۲) کسی چون تقی زاده در مورد تیمورتاش می‌نویسد: از افراد شایسته و لایقی که در زندگی دیدم، مرحوم تیمورتاش است. مردی لایق، باهوش و با حسن نیت و حتی می‌توانم بگویم که اگر او نبود کارها به نحو صحیح جریان نمی‌یافت. مرحوم تیمورتاش در

زمان خود همه کاره بود و هیچ کار برخلاف نظر او انجام نمی گرفت. نظریات و خواسته های رضاشاه را به خوبی و بادرستی و صداقت و لیاقت انجام می داد. (تقی زاده، ۱۳۷۹: ۴۲۲) سرانجام سوء ظن شدید رضاشاه نسبت به تیمورتاش در (۳ دی ماه ۱۳۱۱ ش) طی اعلان رسمی در جراید به این عبارت آشکار شد. «آقای عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار پهلوی از خدمت معاف گردید.» (روزنامه اطلاعات مورخه ۱۳۱۱/۱۰/۳ ش) از وزارت دربار عزل و راهی زندان شهربانی شد. (مکی، ۱۳۷۴: ۳۰۱ ج ۵) تیمورتاش در طی دو مرتبه دادگاه رسیدگی به اتهاماتش تحت عناوین اخذ رشوه در معاملات تجارت تریاک از امین التجار اصفهانی و تبانی با لیندن بلات آلمانی رئیس بانک ملی که توسط بازرسی هایی که از طرف رئیس نظارت بانک ملی حسینعلی نواب بعمل آمد و همچنین فروش ارز در بازار سیاه، به مدت ۵ سال زندان محکوم گردید. (بلوش، ۱۳۶۹: ۲۵۴).

دوباره با پرونده سازی های ریاست کل شهربانی سرلشکر آیرم بر علیه تیمورتاش دادگاه دوم برپا گردید و اتهاماتی در خصوص جاسوسی تیمورتاش و قضیه نفت خوریان.... که با دسیسه انگلیسی ها صورت گرفت که تیمورتاش را مانعی در سر راه مطامع استعماری خود در ایران می دیدند، به جریان افتاد. بامبرک سقوط تیمورتاش را تخلفات مالی در بانک ملی مرتبط دانسته است. (موحد، ۱۳۹۳: ۳۹۶) فرجام نامیمون تیمورتاش با آخرین میخ بر تابوت زندگی سیاسی او توسط مقاله روزنامه تایمز انگلستان در مورخه (نهم ژانویه ۱۹۳۳ م) تحت عنوان بزرگ نمایی از تیمورتاش و اقدامات او در برابر رضاشاه و احتمال حوادث بعد از مرگ شاه، کوبیده شد. تیمورتاش طی شکنجه های جسمی و روحی بسیار در زندان قصر به وسیله آمپول هوا توسط شخصی به نام پزشک احمدی در زندان قصر در تاریخ (۹ مهر ماه ۱۳۱۲ ش) بقتل رسید.

کنکاشی پیرامون طایفهٔ تمر تاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۳۴۵

دادخواست بانک ملی ایران علیه تیمورتاش، به انضمام اسناد و مکاتبات مربوط به آن  
دیوان عدالت عظمی  
[شیر و خورشید]  
ورقه عرض حال به محکمه بدایت تهران

کارتن: ۶۳۰

دوسیه: ۱۱

متداعین	اسم	نام خانواده	پدر	شغل	محل اقامت
مدعی	بانک ملی ایران - تهران	۱	—	تجارت	تهران، خیابان علاءالدوله
مدعی علیه	آقای عبدالحسین خان	تیمورتاش	—	وزیر سابق دربار پهلوی	تهران
نماینده	میرزا نورالدین خان به نماینده‌گی از طرف بانک ملی ایران	کاتوزیان	مرحوم آقا شیخ محمدحسین	رئیس دفتر حقوقی بانک ملی ایران	بانک ملی ایران، خیابان علاءالدوله تهران
قیمت مدعا به	مبلغ یکصد و هفتاد و نه هزار و هشتصد و هشتاد و دو ریال و بیست و پنج دینار به علاوه ده هزار و هفتاد و سه ریال و چهل دینار که فرع مبلغ فوق‌الذکر است از تاریخ اول فروردین یک‌هزار و سیصد و یازده تا تاریخ تقدیم عرض حال حاضر، یعنی تا هفتم اسفند یک‌هزار و سیصد و یازده از قرار شش درصد در سال (جمعاً یکصد و هشتاد و نه هزار و نهصد و پنجاه و پنج ریال و شصت و پنج دینار) به اضافه مخارج محاکمه و خسارت تأخیر تأدیة قانونی از تاریخ تقدیم عرض حال حاضر.				

۱. خط تیره در کلیه موارد برای حفظ شکل و اصالت سند آورده شده است.

تصویر شماره ۱. سند دادخواست بانک ملی علیه تیمورتاش (عبدی، ۱۳۸۳)

عصر شنبه ۸ تیرماه ۱۳۱۲ مطابق ۲۰

قیمت اعلانات	
سومیه اول	سهاری ۳ ریال
۳۰۲۰	۲۰
۱	۱

# اطلاعات

## جریان محاکمه تیمور تاش و حاج امین التجار اصفهانی

در بیانات خودم نظری نداشتیم که اظهارات دیروز را تکرار کنم بلکه چنانکه عرض کردم نسبتاً آقای مدعی العموم بدفاع من داده‌اند که باید رفع سوء تفاهم ایشان بشود اول اینطور عنوان فرمودند که من گفته‌ام آقای وزیر مالیه عمدی در استاز ضمیمه مراسم آقای تیمور تاش داشته یا یار که محترم عمداً آنرا نخواستند اند در صورتی که من چنین عنوان را نکردم و فقط گفتم بدیهی است يك مراسم مفقود نخواهد شد و یار که محترم میبایست در پیدا کردن آن سعی وافی بعمل آورده باشد و باین توضیح علاوه میکنم که آقای مدعی العموم فرمودند اگر این مراسم پیدا میشود از کجا معلوم بود که بنفم آقای تیمور تاش باشد و عین پروژه همان نباشد که تصویب شده من جواب میدهم که اولاً از کجا معلوم است که به ضرر آقای تیمور تاش باشد و در جا ئی که تردید در بین نفم و ضرر است برطبق اصل کلی براءت و ارضاق بهمتم باید آنرا بر منفعت مهم تأقی نمود تا نیا اگر معلوم می شد که ضمیمه مراسم عین پروژه تصویبی است دلیل کامل بر براءت ایشان می بود زیرا همین پروژه بقول آقای مدعی العموم بتصویب هیئت وزراء و امضاء وزیر مالیه رسیده و اگر بد بود یا مضری حال دولت بود البته آن ها تصویب و امضاء نمیفرمودند دوم آقای مدعی العموم فرمودند که من با ایشان اعتراض کردم که چرا به آقای حاجی امین در جریان استنتاج مجال

### در دیوان عالی جزا

رئیس محکمه - آقای مقبل وکیل مدافع تیمور تاش اگر اعتراضی به بیانات مدعی العموم دارند بفرمایند.

#### دومین دفاع آقای مقبل

آقای مقبل - بنده اصولاً مایل بودم که عراض خودم را بهمان مذاکرات دیروز محدود کنم ولی فرمایشات دیشب آقای مدعی العموم مرا مکلف کرده بود که يك بار دیگر خلاصه دلایل در این دو سیه و مذاکرات خود را بعرض برسانم.

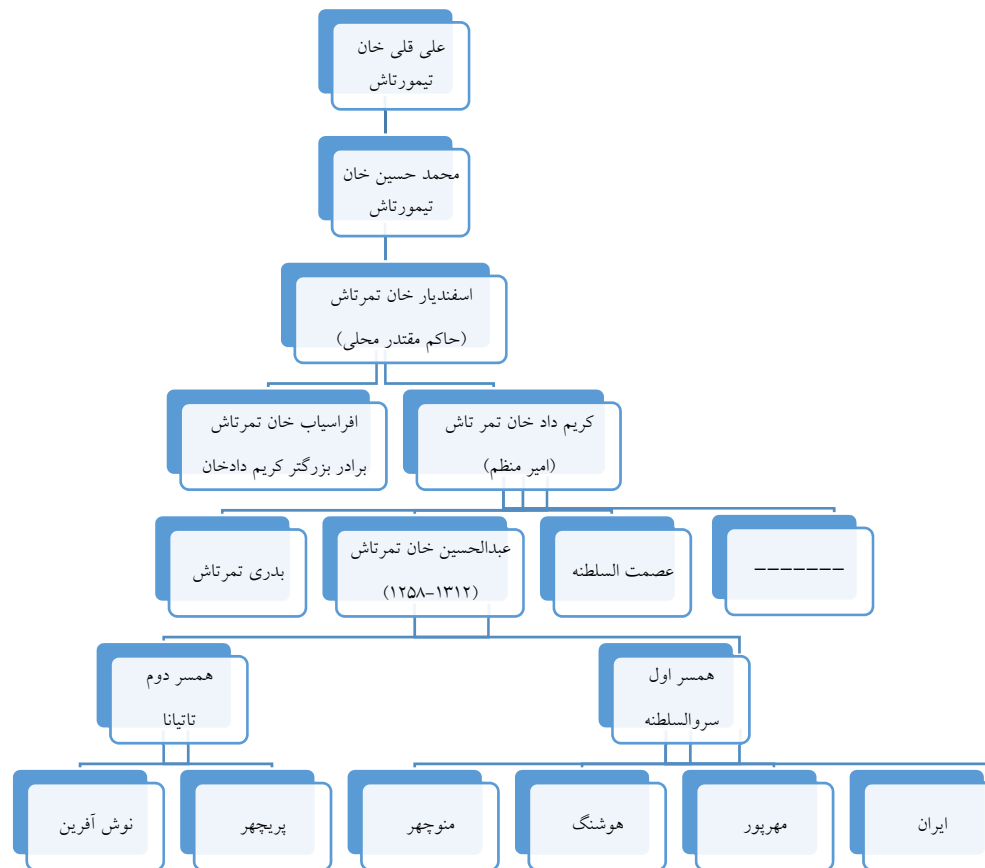
اما چون خود آقای تیمور تاش قسمتی از جوابهای آقای مدعی العموم را بیان نمودند دیگر زرع این احتیاج از من شد من فقط چند نکته را اجازه میخواهم متذکر شوم

تاکنون من و همکاران محترم آقایان وکلای حاجی امین معتقد بودیم که مدرك ارتشاء قرار داد ۱۵۰ هزار لیبره ادعائی و تبدیل آن بقرار داد ۵۰ هزار لیبره میباشد و میزان رشوه در مبلغ صد هزار تومان تفاوت قرار داد پنجاه هزار لیبره از قرار لیبره دو تومان است و در مدافعه خودمان دلایلی برای عدم وجود این دو قرار داد اقامه میکردیم در صورتی که توضیح دیشب آقای مدعی العموم باین عبارت ( مکرر قید شده که برای عقد امتیاز وجوهی ممهود بوده آقای تیمور تاش پرداخت شود که در تحقیقات مقدار ته‌بندی معلوم نیست ) ما را ب فکر دیگری انداخت و معلوم شد که اساساً آقای مدعی العموم در توضیحات خود

تصویر شماره ۲. روزنامه اطلاعات (۸ تیر ۱۳۱۲)



کنکاشی پیرامون طایفهٔ تمر تاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۳۴۷



شجره نامه خاندان عبدالحسین تیمورتاش تا دوران فتحعلی شاه قاجار

### ۱.۶.۳ شواهدی از انعکاس نام (قبیله) تمر تاش در آثار و اسناد تاریخی (سند شماره ۳)

بنای چهارطاقی تیموری (مقبره تیموری) در حاشیه روستای زیارت شیروان و در محوطه امامزاده حمزه رضا واقع است. (تصویر شماره ۱) براساس تاریخی که بر سنگ داخل قبر حک شده تاریخ آن را (۷۸۵ق) ذکر گردیده، که متعلق به یکی از سرداران معروف امیر تیمور گورکانی (عید خواجه) می باشد. وجود نقب هایی در طرفین آن و شایعاتی که در مورد وسعت این نقب ها ذکر شده، ابهام انگیز است. (معماری خراسان شمالی - ۱۳۹۰-۱۱۹).

#### ۱. وقف نامه مضبوط در مقبره تیموری شیروان

البته؛ بعضی از معمرین مقبره مذکور را به شیخ تیمور نسبت می دهند، که این مورد نمی تواند قابل قبول باشد، زیرا طبق نامه موجود به تاریخ ذیقعدہ سنه (۱۰۴۵ق) که باخط بسیار زیبایی نگارش شده است.



تصویر شماره ۳. چهارطاقی تیموری

واقف املاک شخصی به نام امیر محمد شیخ تموری ولد شیخ حسن تموری از بازماندگان میردرویش حسن زیارتی که متولی و خدمه حضرت امامزاده حمزه رضا ذکر شده، که بیش از بیست نفر از بزرگان و معتمدین محلی آن زمان این وقف نامه با ارزش را امضاء و مهر

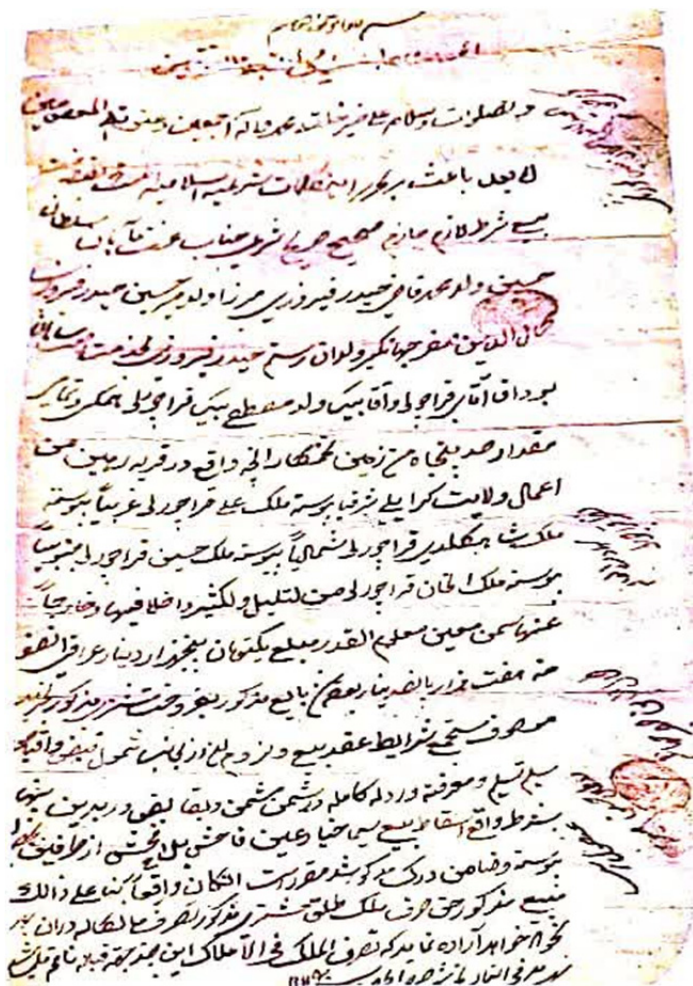
کنکاشی پیرامون طایفهٔ تمر تاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۳۴۹

زده‌اند. تاریخ وقفنامه نیز با احداث بنای ۴۶۰ سال اختلاف زمانی دارد. البته؛ این احتمال وجود دارد، که جنازه میر درویش حسن جدبزرگ شیخ تمور (در وقفنامه تمور نوشته شده است) را در داخل مقبره تیموری دفن کرده باشند. همچنین روستایی به نام شیخ تیمور در اطراف بجنورد وجود دارد که بی ارتباط با این وقفنامه نمی باشد. (مقیمی، ۱۳۷۰: ۲۳۵).

### ۲.۶.۳ متن مصالحه نامه به مورخ (۱۱۱۱ق) (سند شماره ۴)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل بيع الشري، حرم الغصب والربا والصلوات و سلام على خير خلقه محمد و آله اجمعين و عترته المعصومين اما بعد باعث بر تحرير اين كلمات شرعيه اسلاميه آن است که بفروخت به بيع شرط لازم جازم صحيح صريح شرعى جناب عزت مآبان سلطان حسين ولد محمد قاضى حيدر فيروزي، ميرزا ولد مير حسين حيدر فيروزي كمال الدين صفر، جهانگير ولدان رستم حيدر فيروزي به خدمت رفعت پناهان بوداق آقاي قراچورلو و آقا بيگ ولد مصطفى بيگ قراچورلو همگي و تمامی مقدار صد پنجاه من زمين تخم كار، آنچه واقع در قريه رئين من اعمال ولايت گرايلى، شرقياً پيوسته ملك على قراچورلو، غربياً پيوسته ملك شاه گلدی قراچورلو، شمالياً پيوسته ملك حسين قراچورلو، جنوبياً پيوسته ملك الخان قراچورلو من القليل والكثير داخلأ فيها و خارجاً عنها به سمن معين معلوم القدر مبلغ يك تومان پنج هزار دينار عراقى انصف عنه هفت هزار و پانصد دينار بوده باشد. بايع مذکور بفروخت و مشتری مذکور بخريد موصوف مستجمع شرايط عقد بيع و لزوم آن به اينجانب مشمول قبض و اقباض تسليم تسلّم و معرفته و رد له كامله در ثمن مستمن و بقابض - بينهما بشرط واقع اسقاط بيع سيمّا خيار غبن فاحش بل ادخس از طرفين به حصول پيوسته و ضامن درك مذکور شد، مقرر است امكان واقعاً بنا على ذالك مبيع مذکور حق صرف ملك طلق به مشتری مذکور تصرف مالكانه در آن به هر نحو که خواهد اراده نماید که تصرف الملك فى الاملاك، اين چند جههٔ قبالة نامچه قلمی نشر، فى التاريخ شهر صفر المظفر سنه (۱۱۱۱ق)



تصویر شماره ۵

۳.۶.۳ سند ۴

سند سال (۱۱۷۵ق) سندی درباره یکی از بیلاق‌های عشایر کوه شاه جهان:

این صلح‌نامه در تاریخ (۱۱۷۵ق) به امر محمدحسین خان ایلخانی<sup>۵</sup> زعفرانی و حاکم کردهای خراسانی مقیم قوچان و مشورت و رای علمای شرع و ریش سفیدان اسفرااین درباره منازعه ملکی بین حاتم آقای کرد ملانلو و طایفه ترک شهریاری (از تیره‌های تمرتاش) نوشته شده است.

### بسم الله الرحمن الرحيم

بر رأی صوابنمای حکام عدالت گستر و علمای شرع انور پوشیده نماند، که در خصوص املاک دیمچه‌زار میدر و حدودات آن فیما بین عالیقدر حاطم (حاتم) آقای ملانلو و طایفه شهریاری منازعه بود، خدمت با سعادت و کلای ایلخانی عرض مقرر به محکمه شرع انور فرمود، که اهل شرع و جماعت ریش سفیدان ملانلو میان این بلوک بیدباز [بیدواز] به رستاق [روستا] سر املاک مزبور آمده، گواهی بدهند و قطع دعوا نمایند. بنابراین اجرای شهادت نمودند، خیراندیشان که از حدود [روستای] درپچین تا «دربند طَورَ کند» تعلق به نوروزعلی و عوض و اوروج تیمورتاش دارد، که ثلث رسدی نوروزعلی را حاتم آقای مزبور خریده و دو ثلث را بدون حق، تصرف کرده و از «دربند طَورَ کند» تا علاقه بند تعلق به جماعت شهریاری که حمزه و قربان و صفر و میرزامحمد و علی محمد شهریاری دارد، که حاتم از حد خود تجاوز کرده؛ مقدار دو سه جریب املاک شهریاری را هم به باطل تصرف کرده. سخن شهریاری اینکه از «مسگر دره سر» تا «سر علاقه بند» از شهریاری است و از پچین تا مسگر دره از تیمورتاش، اهل شرع به جهت رفع فتنه و فساد بنا به مضمون الصلح خیر، بنابر صلح گذاشته از حد تپه سفید و گنچانه سمت شمال کمری است، که می کشد تا (رکی یورت) عاسق و آبریز ((طور کنند)) الی علاقه بند از همان تپه سفید بر میان میدر مرزی ساختند و سنگی چند چیده به سمت «چقر کمر» و آن سنگ هم بر فوق کمر تا علاقه بند به طایفه شهریاری واگذاشت. از همان مرز میان میدر که غربی شهریاری «طور کند» به حاطم (حاتم) آقای ملانلو دادند و رفع دعوا نمودند و صیغه مصالحه جاری شد. هرگاه دوباره دعوا کنند از درجه اعتبار ساقط و از مرتبه اعتماد بی ربط بوده باشد و مبلغ پنج تومان ترجمان (به حکام عالی) دادن و این میدر از دربند قبرستان تا مرزی که در میان گذاشته و سنگ به جهت علامت مابین تیمورتاش، حاتم گذاشته به جانب علاقه بند شهریاری و قدری املاک شهریاری را به جانب حاتم آقا واگذاشته از هم راضی شدند. این چند کلمه به جهت محبت نوشته شد. تحریراً به تاریخ دوازدهم شهر ربیع الاول سنه (۱۱۷۵ق).

شهد بمافیه عاشور موسیکانلو

حضار مجلس: بهادر موسیکانلو [کرد]

شهد بمافیه اوردوغدی حاجیکانلو [کرد]

شهد بمافیه محمد رضا موسیکانلو

شهد بمافیه نوروزعلی مردانلو

شهد بمافیه رضاقلی مردانلو [کرد]

شهد بمافیه جلیل اصطرخی

شهد بمافیه ملاعیسی بگ حاجیکانلو

شهد بمافیه حاجی مراد

شهد بمافیه آدینه محمد...

و چند اثر مهر و امضای دیگر که ناخواناست.

### ۴.۶.۳ مصالحه نامه سال (۱۲۶۰ ق) سند شماره ۶

الطیبین الطاهرین اما بعد باعث بر تحریر این سطور شرعی القواعد علی ارکان اعتبار اینست که بخیرید به مال خالص خود و از برای رضاقلی آقا ابن المرحوم امامقلی کیوانلو مقدار یکصد من زمین بذرافکن در مزرعه عزیزچشمه واقع در کاهدار من اعمال سمبار مانه از خدمت عالیجناب علیقلی ابن المرحوم نجف آقای تمورتاشی قدری زمین با پسرعم خود مراد و پردی شراکتی داشتن که قبل از این قدری فروخته و یکصد من را نیز فروخته بمبلغ یک تومان و پنج هزاردینار قیمت نموده به چهارحد معین. حد اول شرقیا پیوسته متصل به زمین مشتری، حد دویم غربیا پیوسته متصل بدرخت اوج قد که در میان است. حد سیم جنوبا پیوسته متصل بزمین بوکه آقای تمورتاشی، حد چهارم شمالیا پیوسته متصل زمین اسد ولد بوداق آقای کوانلو. بایع فروخت و مشتری مذکور خرید و در خریدن درست عقد شرعی جاری گردید. مبلغ با مصالحه الاملاک دعوی عنوان فاحش بل الفحش جاری گردید و بایع از ملک خود اخراج بتصرف مالکانه مشتری وا گذاشت و بایع قیمت املاک خود را تمام و کمال بقید خود در آورد و قبض کرد و قبض تسلیم و تسلیمین به حصول پیوست و بایع ضامن درک شرعی گردید که عندالوقع بینهما الدرک او قهرا او بعضا بصیغه عربیا و الفارسی جریان یافت که هرگاه با زمین مشتری درک بهم رساند از عهده قرامت املاک مشتری برآید و عذر شرعی نیاورد. این چند کلمه جهت سند نامیچہ قلمی شد.

بتاریخ شهر ذیحجه سنه ۳ - (۱۲۶۰ ق)

مهر بوکه تمورتاشی

الطریق العرفی لا یجوز فی سطر شرع الفوائد علیها  
اجازت که بخوبی حال فاضل فقه و ذریع حقیقی در فقه و کلام  
لاحق تالیفات و تفسیر کتب بزرگ در فقه و کلام  
از مرتبه عالی است علی بن ابی طالب علیهم السلام در مرتبه عالی است  
ملا و غیره از این جهت که قبل از این قدر فاضل و مدعی است  
بسیار بود که اجازت کتب بزرگ می بود اول شرفا بود  
برین مرتبه هم می توانست برین مرتبه است  
همه بنیاد برین مرتبه است برین مرتبه است  
برین مرتبه است برین مرتبه است  
خوب است درین مرتبه است  
من کلام و کلام و کلام  
فاز خارج معرفه است  
بفرض که در این مرتبه است  
شرفا است در این مرتبه است  
و این است که در این مرتبه است

تصویر شماره ۶

۵.۶.۳ نسخه خطی دوره قاجار، اثر محمدقلی نوری ملقب به (مُنْتخَب الْمَلْک) سند  
شماره ۷

یکشنبه ربیع الثانی ۱۳۱۱ ق

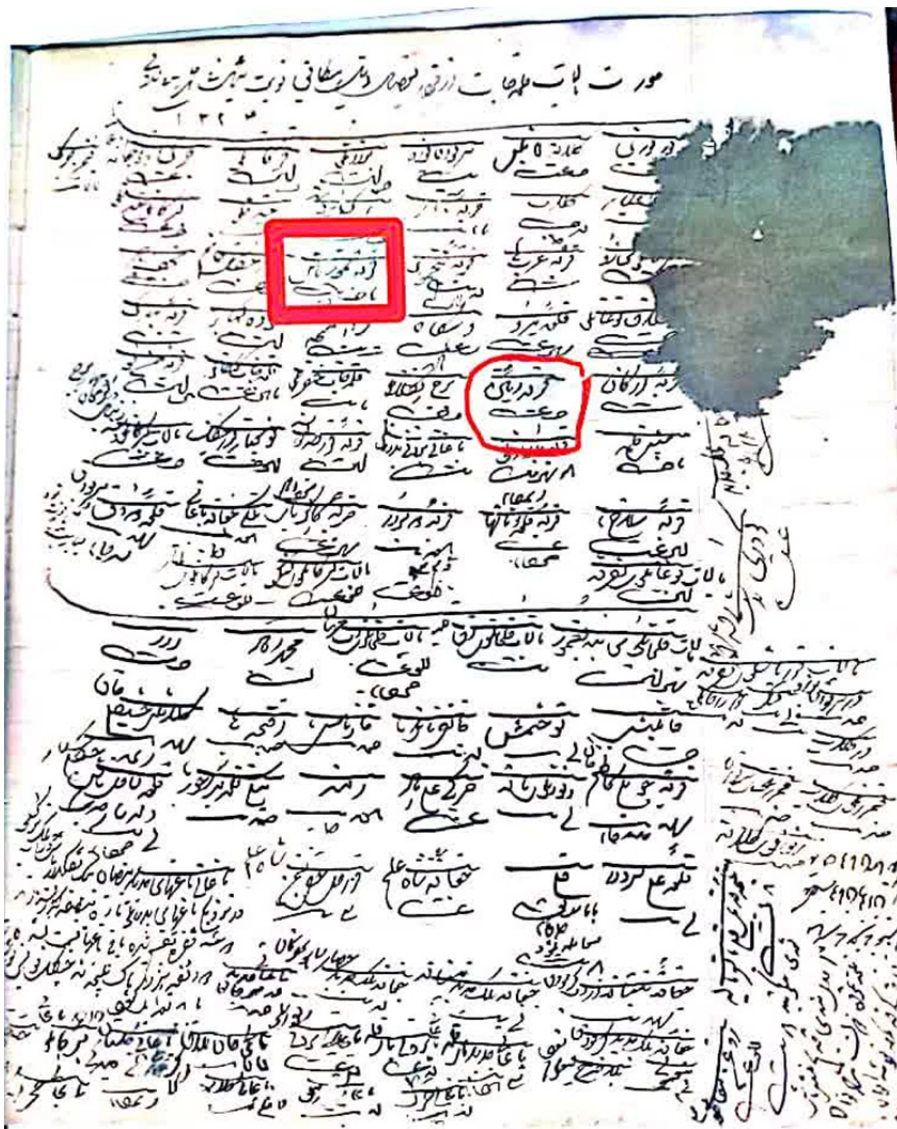
از خراشا به چهار ده جاجرم ۱۱ فرسخ مسافت، رو به مغرب جنوب دارد... به «قنات برز بلند» رسیدیم. قنات مزبور را هم تازه معتمد السلطان، کریم دادخان، سرتیپ مرمت کرده؛ قلعه و آبادی موسوم به (کریم آباد) بنا کرده است و در یسار راه واقع بود... قلعه زمان آباد در یمین راه بود و یک فرسخ که از آنجا نیز عبور کردیم، قلعه فرخ آباد ملکی امان الله خان - برادر کریم خان سرتیپ - نیز به اسم پسر خود که در طهران است موسوم کرده، در یمین راه بود، امان الله خان، خود نیز تا اینجا استقبال کرد و یک فرسخ به جاجرم مانده پسر کریم دادخان - ابوالفیض خان - که از صبیبه حاجی میرزارحیم است، آمد. دم دروازه جاجرم هم فرج الله خان - پسر دیگر امان الله خان و آقاعلی - پسر کربلایی فتح الله - ضابط جاجرم حاضر بوده، مرا به خانه کریم دادخان سرتیپ بردند، دو شب و یک روز در آنجا ماندم. کریم دادخان پسر محمدحسن خان ابن علینقی ابن محمدحسن بیک است، اصلاً از طایفه تمرتاش (تیمورتاش) ساکن ارکان بجنورد هستند، مرحوم مزبور حاکم نردین و خیلی شاخص در زمان شاه مرحوم محمدشاه (طاب الله ثراه) بود. محمدحسن خان بدین قرار اولاد داشت: افراسیاب - کریم داد خان\* - امان الله خان - الله وردی خان - سعادت یارخان - ابراهیم خان - بیگلرخان - سامخان - مهدیقلی خان پسر کوچک سرتیپ مشارالیه ابوالخیرخان - که آن هم از صبیبه حاجی میرزا رحیم است. پسر بزرگ سرتیپ عبدالحسین خان است که از او با دو همشیره از صبیبه مرحوم فرج الله خان عموزاده (سهام الدوله) است. (ورق ۵۱-۵۰ صفحه ۱۰۱-۱۰۰) (ردیف ۱۶ - س ۵۳-۵۲ ورق ۲۷-۲۶).





۶.۶.۳ سند شماره ۸ - اسناد مالی

شماره (۱) - سند مالی (۱۳۲۴ق): این سند مربوط به مالیات قلعه جات به سال (۱۳۲۴ق) است. مالیات روستاهای تیمورتاش و رثین به این شرح است. قریه تیمورتاش ۱۶۵ تومان نقدی - قریه رثین ۱۵ تومان نقدی.



تصویر سند شماره ۸

کنکاشی پیرامون طایفه تمر تاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۳۵۷

۷.۶.۳ تصویر سند شماره ۹- سند مالیه ۲ (۱۳۲۵ق)

این سند مربوط به مالیات قلعه جات شادلو در سال (۱۳۲۸ق) است. مالیات تیمورتاش و رتین به این شرح است. رتین ۱۲ خروار و تیمورتاش ۳۹ خروار غلات (احتمالا گندم، جو) بوده است.

The image shows a handwritten document in Persian script, likely a tax record or financial document. The text is arranged in columns and rows, with some entries highlighted by red boxes. The document is dated 1328 (1328 ق). The text is written in a cursive style, and the document appears to be a list of items or transactions. The red boxes highlight specific entries, possibly indicating payments or specific items of interest. The document is titled 'تصویر سند شماره ۹' and is related to the 'مالیات قلعه جات شادلو' (tax of Shadloo Castle) for the year 1328.

تصویر شماره ۹. سند مربوط به مالیات قلعه جات شادلو (تیمورتاش و رتین)

۸.۶.۳ سند شماره ۱۰

دست نوشته خطی تاریخ قدیم قوچان نوشته علی اکبرافشار قوچانی (۱۳۲۵ق) (نویافته ومنتسر نشده)

این سند خطی از واگذاری استرآباد به کریم دادخان سرتیپ حکایت دارد، که در یک سال به مبلغ چهل هزار تومان از یارمحمدخان (سهام الدوله دوم) مقاطعه و در ولایت ترشیز ملک خالصه دولتی جنگل را به سالی ده هزار تومان اجاره کرده بود. متن سند به این شرح است:  
...که بخشیده بود آقاوجیه که در جوانی بی ریش میرزاحسین خان (سپهسالار) بوده و مرحوم سپهسالار هم قزوینی و حالش کم از سو زمانی نبوده، از ایالت استرآباد معزول و ایالت را به یارمحمد خان (سردار مفخم) دادند.

رکن الدوله و امیرحسین خان به قوچان و مشهد برگشتند، مرحوم سلطان قلیخان سرتیپ اخوی بنده در آن موقع ناظر یارمحمدخان بوده در بجنورد، از دخل یارمحمدخان صحبت می کرد و دو سال تمام در ایالت باقی بوده، پیشکاری استرآباد را هم به مرحوم کریم دادخان نردینی پدرجناب اشرف حالیه آقای (وزیردربار) عبدالحسین خان واگذار کرده بودند. به این ترتیب:

اولا: به سالی چهل هزار تومان بعد از وضع خرج یارمحمدخان را مقاطعه کرده بوده.  
ثانیا: پنجاه هزار تومان سالی پاک کرده داده بود، که بعد از دو سال همه آقا و نوکر مثل: شمس المعالی قابوس بن وشمگیر با خزانه شاهانه به بجنورد آمده، نوکران تائین آتیه را داده؛ کریم دادخان بعد از مراجعت مکه، جنگل خالصه دولت را در ترشیز خرید که آلاں سالی ده هزار تومان اجاره داده اند.

(۵۷)

که بخشیده بود آقا وجیه که در جوانی بی رش میرزا  
حسین خان سپسالار بوده و مرحوم سپسالار هم قزوینی  
و حالش کم از سوزمانی نبوده از ایالت استرآباد  
معزول و ایالت را بیار خجیر خان سردار منقسم  
دادند .

رکن الدوله و امیر حسین خان به قوچان  
و مشهد برگشتند . مرحوم سلطان قلیخان سرتیب  
اخوی بنده در آن موقع ناظر بایر خجیر خان بوده در  
بجنورد از دخل بایر خجیر خان صحبت میکرد و دو  
سال تمام در ایالت باقی بود پیشاری استرآباد  
را هم بمرحوم کریم دادخان نزدینی بدر خجیر شرف  
حالیته آقای وزیر دربار عبدالحسین خان واگذار کرده  
بودند باین ترتیب :

اولاً سالی چهل هزار تومان بعد از وضع خسرج  
بایر خجیر خان را مقاطعه کرده بود .  
ثانیاً پنجاه هزار تومان سالی پاک کرده داده بود که  
بعد از دو سال همه آقا و نوکر مثل شمس الهانی -  
قابوس و شکرگیر با خزانه شامانه به بجنورد آورده

(۵۸)

نوکران تأمین آتیه را داده کریم دادخان بعد از مرگ  
کله جنگل خالصه دولت را در ترشیز خرید که الآن سالی  
ده هزار تومان اجاره داده اند .

### ۹.۶.۳ سند شماره ۱۱

#### نسخه خطی کنز المسافر نوشته تاریخی (منتخب الملک نوری)

این اثر از لحاظ تاریخی و جغرافیایی اهمیت دارد، نویسنده ضمن پرداختن به تاریخ گردهای خراسان، اطلاعاتی ارزشمند از ایلات، طوایف و آبادی های «ولایت آلاداغ» ارائه می دهد. وی اسامی ۳۵ طایفه ساکن در ولایت بجنورد را که گُرد، تُرک، تات و عرب بوده اند، آورده است. کتاب (منتخب الملک) حاوی اطلاعات سودمندی در باره حکام و طوایف می باشد.

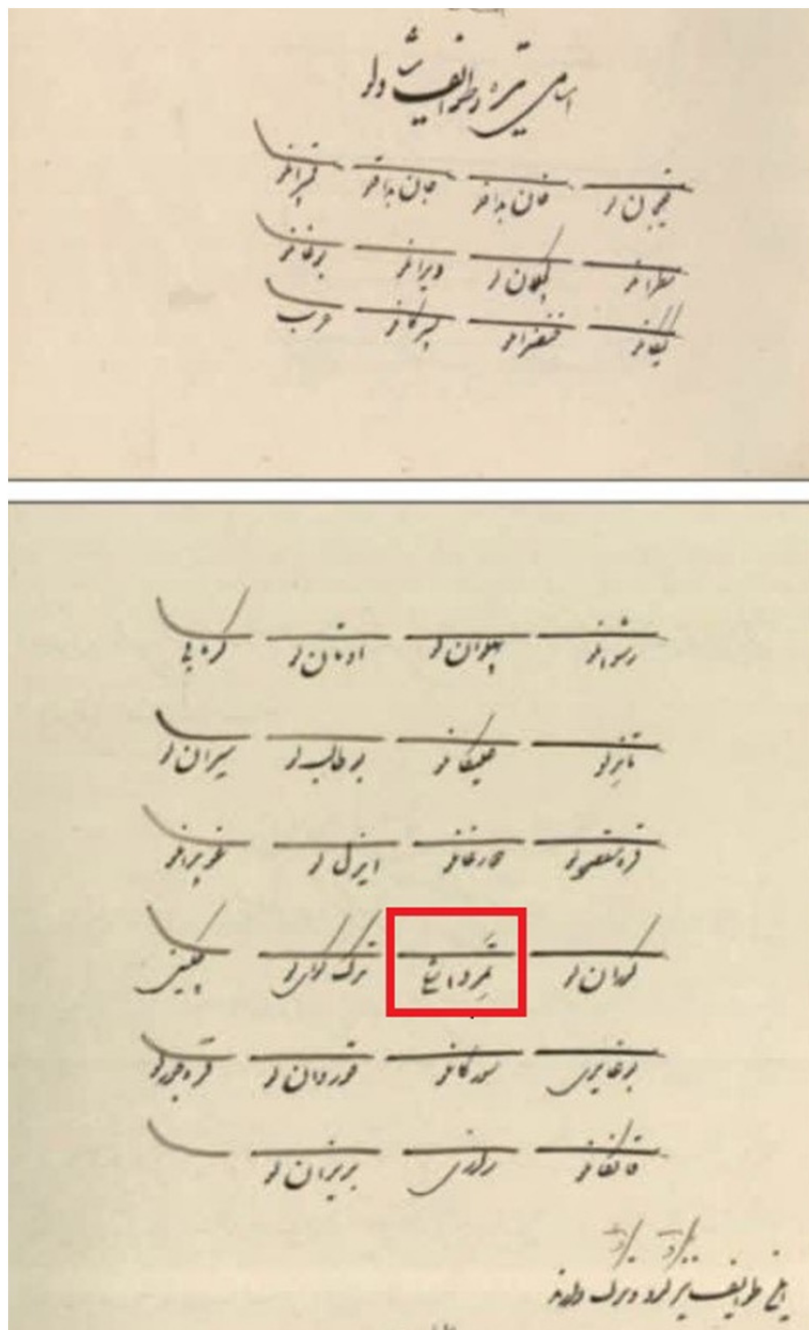
بنا به نوشته منتخب الملک طوایف شمال خراسان مرکب از ۳۵ طایفه هستند، که از این میان ۲۸ طایفه گُرد و از زیر شاخه های سه ایل شادلو، قراچورلو و زعفرانلو هستند و ۵ تا از قوم تُرک، ۱ طایفه تات، ۱ طایفه عرب اند.

الف- طوایف گُرد عبارتند از: قلیچانلو، قمپرانلو، مطرانلو، دیرانلو، کچلانلو، بوغانلو، خنضرانلو، پسرکانلو، اوتانلو، تانیرانلو، علیکانلو، بو طالبلو، سیرانلو، دوراغانلو، ایزانلو، قوپرانلو، کورانلو، قانیکانلو، قره چورلو، خان بداقلو، جان بداقلو، سورکانلو، برزانلو، کیکانلو، رشوانلو، پهلوانلو، قوردانلو و چگینی.»

ب- طوایف تُرک عبارتند: «از قره مقصودلو، تَمر تاش، بغایری، گرایلی و گرمابی»

ج- طوایف رازی و عرب هم از زیر شاخه های قوم تات و عرب هستند. (منتخب الملک، ۱۳۱۴ق، برگ ۱۶).

کنکاشی پیرامون طایفه تمرتاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۳۶۱



تصویر شماره ۱۱. نمونه ای از کنزالمسافر که اشاره به طایفه تمرتاش دارد

#### ۴. نتیجه‌گیری

بی‌شک وجود همبستگی قومی در جامعه ایران شهر را جهت دستیابی به قدرت برای افراد فراهم می‌شد، در راس سلسله‌های پادشاهی ایران زمین اغلب سران ایلات جای داشته‌اند. به همین جهت شناخت جامعه ایلیاتی چه از نظر سیاسی و چه از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارای اهمیت فراوانی است. در طی ادوار تاریخ ایران نقش ایلات به عنوان مرزداران این سرزمین کهن و به طور طبیعی رجال نامدار برخاسته از این ایلات در بزنگاه‌های تاریخی که مصدر خدمات و صدمات سنگین بر پیکره میهن عزیزمان گردیده‌اند، بویژه؛ در طی دو سده اخیر و سیر تحولات تاریخی معاصر نقش رجالی چون عبدالحسین خان تیمورتاش؛ سردار اسد بختیاری و... در کنار سایر رجال ملی و انگلوفیل، ژرمنوفیل، روسوفیل... در گذار تاریخی رخدادها ماقبل مشروطیت تا به امروز نقش بسزایی داشته‌اند، قابل توجه است. اهمیت آن در ساختار اجتماعی، سیاسی ایران به ویژه؛ به دلیل عدم وجود ارتش متحدالشکل نوین تاثیر زیادی داشته و زمان زیادی این سران ایلات قدرت‌های سیاسی جامعه ایران را در دست داشته‌اند. عبدالحسین خان تیمورتاش وزیر دربار پهلوی اول (۱۳۰۴ ش-۱۳۱۱ ش) یکی از همین خاندان‌های برخاسته از ایلات، که فاقد تبار و خون اشرافی طبقه حاکم بوده است قابل ذکر است، به واسطه لیاقت و هوش ذاتی توانسته است، پله‌های ترقی در صحنه سیاست ایران را پیماید. تا آنجا که به قول مخبرالسلطنه هدایت به نقل از رضاشاه: «قول تیمور قول من است.» (هدایت، ۱۳۷۵: ۳۷۱) این جمله خود گویای جایگاه و کارنامه زندگی سیاسی تیمورتاش می‌باشد. تیمورتاش به رغم اینکه از غنفلوان نوجوانی برای ادامه تحصیل راهی روسیه تزاری گردید و به طور طبیعی روحیات و منش زندگی شاهزادگان مرفه و هوسباز تزاری در او رشد و نمو یافت، ولی به عنوان یک اپورتونیست (فرصت طلب) و لذت طلب شهره آفاق زمانه اش گردید. عملکرد او در زن بارگی، شرب خمر؛ قمار بازی و همپالگی با افراد دون مایه ای چون عبدالحسین دیبا و همسرش (بلبل) و یا کارنامه ددمنشانه وی در طی حکومت گیلان و اعدام تعدادی بی‌گناه به اتهام جنگلی (طرفداران میرزا کوچک خان) در حالت مستی... قابل دفاع نیست. همچنین هم زمان خصایصی چون پشتکار، شجاعت، سرسختی، قاطیعت در کارها، ذکاوت... که از خصایص مردان ایلاتی می‌باشد، برخوردار بود و بهره‌مندی از پتانسیل قدرت نفوذ ایلات در کسب مناصب و در برهه‌هایی از زندگی سیاسی تیمورتاش آشکار است. در بازی سرنوشت این رجل سیاسی، شاید بزرگترین لطمه را به یگانه میراث نهضت مشروطیت ایران وارد کرد، یعنی نقش و جایگاه پارلمان را تنزل داد که منجر به فرمایشی نمودن مجلس



کنکاشی پیرامون طایفهٔ تمر تاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۳۶۳

شورای ملی گردید که در نهایت به ماشین امضاء دولت تقلیل پیدا کرد. سرانجام در طرز تلخ تاریخ خود و دیگر همپالگان منورالفکرانش چون فیروز؛ سردار اسعد بختیاری، علی اکبر داور و... قربانی همین سیاست ترقی خواهانه نهضت مدرنیزاسیون ایران نوین تحت لوای دیکتاتوری مُصلح رضاشاهی قرار گرفتند و با دسیسه داخلی و خارجی یک شبه از عرش به فرش مذلت افتادند و با گذشت یک سده از زمان فرجام نامیمون تیمورتاش، راز مرگش در هاله ای از ابهام قرار دارد، شاید با افشای اسناد طبقه بندی شده بریتانیا، این راز مخفی روزی فاش گردد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. اشتباه از طرف پیشخدمت به دلیل پوشش قرمز رنگ لباسی بود که ترکمانان از این رنگ بیشتر استفاده می‌کنند.
۲. به علت تعلق خاطر به نردین زادگاهش لقب نردینسکی که حالت نستالوژی برایش داشت، را برای خودش انتخاب کرد.
۳. تخلص شعری عبدالحسین خان تیمورتاش (سردار معظم خراسانی)
۴. به موجب این قرارداد به دولت ایران ماهیانه دو میلیون ریال پرداخت می‌شد، در عوض دولت ایران اجازه تشکیل دو نیروی یازده هزار نفری در جنوب و شمال را به انگلستان و روسیه تزاری می‌داد که تحت تعلیمات صاحب منصبان دو دولت و ظاهراً زیر فرمان وزارت جنگ دولت ایران برای استقرار امنیت بوجود می‌آمد و به موجب همین قرارداد امور مالی ایران بطور کامل زیر نظر کمیسیون مزبور قرار می‌گرفت.
۵. در زمان نگارش این صلحنامه تنها ایلیخان (خان و رئیس ایل) ایران، محمدحسین خان زعفرانلوس است که در سال (۱۱۴۸ق) به فرمان نادرشاه، در دشت مغان به این سمت نایل شد. حدود ۵۰ سال بعد، ایل بختیاری دارای ایلیخان شد.
۶. مَیدر (Maydar) از دیمه‌زارها و بیلاق‌های رشته کوه شاه جهان است و از آندقان تا سرچشمه (در شمال شرق اسفراين) را شامل می‌شود.

### کتاب‌نامه

#### نسخ خطی

افشار قوچانی، علی اکبر، تاریخ قدیم قوچان، نسخه خطی، ۱۳۲۵ق.  
مُتتخب المُلک، کنزالمُسافرین فی وصف بلاد شمال خراسان، نسخه خطی، کتب چاپی، ۱۳۱۴.

۳۶۴ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

### متون چاپی

- آقاملایی، ایرج، تاریخ مشاهیر خراسان شمالی، انتشارات مرنديز، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ارفع، رضا، خاطرات پرنس ارفع، انتشارات سخن، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مطلع الشمس، به اهتمام برهان ليمودهی، تهران، بنیادافشار، سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۵ و ۲۵۳۵خ.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، مراه البلدان، مصحح نوایی، محدث، تهران انتشارات، دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۷۶.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، شاهنامه آخرش خوش است، تهران، نشر علم، چاپ هفتم، ۱۳۹۰.
- بهار، محمدتقی (ملک الشعرا)، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷ش
- بلوش، و بیروت، سفرنامه، مترجم کیکاوس جهاندار، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹ش.
- پیرا، فاطمه، روابط سیاسی اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- پورشالچی، محمود، قزاق، عصر رضاشاه پهلوی بر اساس اسناد وزارت خارجه فرانسه، انتشارات مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- تائیری، رضا، شهرمن بیچین یورد، انتشارات درج سخن، بجنورد، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- رحمتی، علی، بررسی و شناخت ایلات و طوایف تات و ترک ترکمن و متفرقه، ج ۱، بجنورد، انتشارات بیژن یورد، چاپ اول، ۱۳۹۶.
- سیف پورفاطمی، نصرالله، آینه عبرت، انتشارات سخن، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
- سینایی، وحید، دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران (از ۱۲۹۹ تا ۱۳۵۷) انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول، ۱۳۹۶
- شیخ الاسلامی، محمدجواد، صعود و سقوط تیمورتاش، انتشارات توس، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- شهبازی، عبدالله، مقدمه ای بر شناخت ایلات و عشایر، تهران، نشر نی، ۱۳۶۹.
- عاقلی، محمدباقر، تیمورتاش، انتشارات جاویدان، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۷ و ۱۳۷۱.
- عبدی، عیسی، اسناد و مکاتبات تیمورتاش (وزیر دربار رضاشاه) تهران، تهیه و تنظیم نهاد ریاست جمهوری ناشر وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳ش.
- غنی، سیروس، برآمدن رضاخان و برافتادن قاجارها و نقش انگلیسی ها، ترجمه حسن کامشاد، انتشارات نیلوفر، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت، انتشارات پیام، چاپ دوم، ۱۳۵۸.

کنکاشی پیرامون طایفه تمر تاش (تیمورتاش) ... (سید حمید فخر جعفری و دیگران) ۳۶۵

طلوعی، محمود، معماهای تاریخی (رازهای ناگشوده در تاریخ معاصر ایران) نشر علم، تهران، ۱۳۸۰.  
گلشن آزادی، علی اکبر، صدسال شعر خراسان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ ش.  
کحال زاده، میرزا ابوالقاسم، دیده ها و شنیده ها (خاطرات) ج اول، نشر فرهنگ، ۱۳۶۲ ش.  
متولی حقیقی، یوسف، خراسان شمالی، انتشارات آهنگ قلم، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۷.  
مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، انتشارات علمی، چاپ چهارم، تهران، ج ۵، ۱۳۷۴.  
مقیم، محمد اسماعیل، جغرافیای تاریخی شیروان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۰.  
میرنیا، سیدعلی، ایل ها و طایفه های عشایری کرد خراسان و نقش سیاسی ایل های بزرگ، مشهد، نشر نسل دانش، ۱۳۶۹.

موحد، محمد علی، خواب آشفته نفت (از قرارداد داری تا سقوط رضاشاه) نشر کارنامه، ج ۱، چاپ اول، ۱۳۹۳.

نبئی، ابوالفضل، اوضاع سیاسی اجتماعی ایران در قرن هشتم، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۵.

هدایت، حاج مهدیقلی خان، خاطرات و خطرات، انتشارات زوار، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵ و ۱۳۴۴.

#### پایان نامه

رحمتی، علی، نقش ایلات و طوایف بجنورد در دفاع از استقلال ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ۱۳۷۸-۱۳۷۹.

#### ویژه نامه

ایوانف، ولادیمیر، ایل ها و طایفه های موجود در شمال خراسان، خبرنامه و ویژه نامه دومین همایش شهرستانی، ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو، شماره ۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۷، ص ۲۵.  
معماری خراسان شمالی، به کوشش سازمان نظام مهندسی ساختمان، چاپ اول، ۱۳۹۰.

#### سفرنامه ها

امین لشکر میرزا قهرمان، روزنامه سفر به خراسان به همراهی ناصرالدین شاه، تصحیح ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.

حکیم الممالک، علی نقی، روزنامه سفر خراسان، به کوشش ایرج افشار، انتشارات فرهنگ ایران زمین، تهران، ۱۳۵۶.

سی ام مک گرگر، شرح سفر به ایالت خراسان و شمال غرب افغانستان، ترجمه اسدالله توکلی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹ ش.

سهام الدوله بجنوردی، سفرنامه، به کوشش قدرت الله روشنی زعفرانلو، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴.

۳۶۶ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه ناصرالدین شاه به خراسان ۱۳۰۰ ق، به اهتمام محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تهران، دارالطباعه دولتی، ۱۳۰۶ ق.